

# اتامیس مازرونے

(سرودہای تبری)

میرزا محمد مهدی پور عمران

(ویشار مازنی)



## کله ونگ

«تا میس مازرونی» مجموعه‌ای از شعرهای کوتاهی است که از سال‌ها قبل به مقتضای حال و هوای گوناگون نوشته و حالا این قلم‌اندازها را از این‌جا و آن‌جا جمع کرده‌ام تا به یادگار بماند. پاره‌ای از این شعرها، ناتمامند. نه صرفاً به این معنای مضمون بلکه از نظر ساختار.

پاره‌ای از این شعرها به سبک آزاد و بیرون از عروض سنتی، ساخته شده‌اند که در دفتر اول، آمده‌اند و پاره‌ی دیگر که در پیکره‌ی چهارگانی (رباعی) ساخته شده‌اند و از عروض سنتی شعر



پارسی پیروی می کنند، در دفتر دوم نشسته اند و برای این دوپارگی هیچ دلیل خاصی در نظر نبوده است. به هر روی...

شعر - چنان که افند و دانی - حاصل لحظه ها است. وقتی از زمانش بگذرد. مثل آن است که آهن، سرد شود. دیگر چکش خوری اش را از دست می دهد.

چرا که "آهن را باید تا وقتی که گرم است کوبید و شکل داد." اما این به معنی این نیست که نمی توان و یا نباید یک بار دیگر به کوبیدن رفت، در کوره اش گذاشت و روی سندان قرار داد و کوبید.

برای این باره شعرها را در وقت مناسبی می توان از سر سرود.

به دیگر گویی - همین گونه و درازتر و یا کوتاه تر. به هر روی، بخشی از این پاره ها به "هایکو" مانندند و پاره ای دیگر به شعرهای کوتاه.

خواه سپید و بی وزن و نثر و خواه موزون و قافیه دار. پس هیچ دلبستگی شیدایی به وزن و قافیه و یا دوری از این دو در کار نبوده است.

چرا که هیچ کدام از این عناصر بایسته شعر نیستند. بایسته ی شعر اما، احساس شاعرانه است. باشد که پسند آید.

ر،  
(ویشار ی)